

« هدف کلی درس : آشنایی با محورهای اصلی اقدامات امامان (ع) در جهت ایفای مسئولیت‌های مربوط به امامت »

« خلاصه درس هشتم « احیای ارزش‌های راستین » دین و زندگی (۲) یازدهم، ریاضی فیزیک و علوم تجربی »

* **امام علی (ع)** ← وقتی رفتار مسلمانان روزگار خود را مشاهده می‌کرد، با روشن بینی و درک عمیقی که از نتیجه رفتارها و وقایع داشت، سرنوشت و آینده نابسامان جامعه اسلامی را پیش بینی می‌کرد و در زمان‌های مختلف و مسلمانان را نسبت به عاقبت رفتارشان بیم می‌داد.

* **پیش‌بینی امام علی (ع) برای « حق و باطل »، « قرآن »، « معروف و منکر » در جامعه اسلامی** ← به زودی پس از من، زمانی فرا می‌رسد که در آن زمان، چیزی پوشیده‌تر از حق و آشکارتر از باطل و رایج‌تر از دروغ بر خدا و پیامبرش نباشد. نزد مردم آن زمان، کالایی کم‌بهارتر از قرآن نیست، وقتی که بخواهد به درستی خوانده شود و کالایی رایج‌تر و فراوان‌تر از آن نیست، آنگاه که بخواهند به صورت وارونه و به نفع دنیا طلبان معنایش کنند. در آن ایام، در شهرها، چیزی ناشناخته‌تر از معروف و خیر و شناخته‌تر از منکر و گناه نیست.

* **نشانه‌های بازگشت مسلمانان به دوره جاهلیت از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع) :**

الف) پوشیده شدن حق، آشکار شدن باطل (ب) ناشناخته بودن معروف و شناخته شدن منکر (ج) رایج شدن دروغ بر خدا و پیامبرش و کم‌بها شدن قرآن
* **تشخیص راه سعادت و رستگاری از دیدگاه حضرت علی (ع) :**

در صورتی می‌توانید راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا پشت‌کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی کنید و وقتی می‌توانید به عهد خود با قرآن وفادار بمانید که پیمان‌شکنان را تشخیص دهید؛ و آن‌گاه می‌توانید پیرو قرآن باشید که فراموش‌کنندگان قرآن را بشناسید.

* **پیشنهاد امیرالمؤمنین (ع) برای نجات از گمراهی و تشخیص راه حق :**

شناسایی پشت‌کنندگان به صراط مستقیم، تشخیص پیمان‌شکنان عهد با قرآن و شناسایی فراموش‌کنندگان آن و طلب همه این‌ها از اهلش، آنان که نظر دادن و حکم کردنشان، نشانه دانش آن‌هاست و هرگز با دین مخالفت نمی‌کنند و در دین اختلاف ندارند.

* **عدم توجه مسلمانان به پیش‌بینی‌ها و هشدارهای امام علی (ع)** ← باعث شد بنی‌امیه بر مردم حاکم شوند و دنیای اسلام را تا حد زیادی به دوران جاهلیت بازگرداندند.

* **تلاش و مجاهدت امامان معصوم در قالب مسئولیت‌های دو گانه مقام امامت :**

الف : اقدامات مربوط به مرجعیت دینی **ب : مجاهده در راستای ولایت‌ظاهری**

* **اقدامات مربوط به « مرجعیت دینی » امامان :**

۱) تعلیم و تفسیر قرآن کریم ← در حالی که حاکمان زمان به افراد فاقد صلاحیت میدان می‌دادند تا قرآن کریم را مطابق با اندیشه‌های باطل خود تفسیر کنند، امامان در هر فرصتی که به دست می‌آوردند، معارف این کتاب آسمانی را بیان می‌کردند و رهنمودهای آن را آشکار می‌ساختند. در نتیجه این اقدام، مشاقان معارف قرآنی توانستند از این کتاب الهی بهره ببرند.

۲) حفظ سخنان و سیره پیامبر اسلام (ص) ← بعد از رحلت رسول خدا (ص)، نوشتن سخنان ایشان ممنوع شد و این ممنوعیت آثار زیان‌باری برای مسلمانان داشت. البته امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه به این ممنوعیت توجه نکردند و سخنان پیامبر را به فرزندان و یاران خود آموختند و از آنان خواستند که این آموخته‌ها را به نسل‌های بعد منتقل کنند.

* **حدیث زنجیره طلایی** ← هنگامی که امام رضا (ع) به اجبار مأمون، از مدینه به مرو، پایتخت حکومت این خلیفه عباسی می‌رفت، در مسیر حرکت خود به نیشابور رسید. هزاران نفر از مردم به استقبال ایشان آمده بودند و گروه زیادی از آنان، قلم‌هایشان را آماده کرده بودند تا هرچه امام می‌گوید، بنویسند و برای خود و آیندگان نگه دارند. وقتی امام رضا (ع) در جمع مردم قرار گرفت، به امام اصرار کردند تا برایشان سخن بگوید. امام (ع) به آنان فرمود: من از پدرم، امام کاظم (ع) شنیدم و ایشان از پدرش، امام صادق (ع) و ایشان از پدرش، امام باقر (ع) و ایشان از پدرش، امام سجاد (ع) و ایشان از پدرش، امام حسین (ع) و ایشان از پدرش، امام علی (ع) و ایشان از رسول خدا (ع) شنیدم که فرمود: خداوند می‌فرماید:

* کَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي ؛

ترجمه : کلمه لا اله الا الله قلعه محکم من است، هر کس به این قلعه محکم من وارد شود، از عذاب من در امان است.

پس از اندکی درنگ امام رضا (ع) فرمود : بشروطها و أنا من شروطها ؛ اما به شرط های آن، و من از جمله شرط های آن هستم.

مقصود امام از حدیث زنجیره طلایی، این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست، بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر می شود. شیوه بیان امام در نقل این حدیث نشان می دهد که چگونه احادیث رسول خدا (ص)، از امامی به امام دیگر منتقل می شده است. این حدیث، به جهت توالی و پشت سرهم آمدن اسامی پیشوایان معصوم در آن، به حدیث سلسله الذهب (یعنی زنجیره طلایی) مشهور است. این حدیث بیانگر مجاهده در راستای ولایت ظاهری و معرفی خویش به عنوان امام بر حق از مسئولیت های مقام امامت است.

۳) تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو ← با گسترش سرزمین های اسلامی، سؤال های مختلفی در زمینه های احکام، اخلاق، افکار و نظام

کشورداری پدید آمد. ائمه اطهار با اینکه با حاکمان زمان خود مخالف بودند، اما به دور از انزوا و گوشه گیری و با حضور سازنده و فعال، با تکیه بر علم الهی خود، درباره همه این مسائل اظهار نظر می کردند و مسلمانان را از معارف خود بهره مند می ساختند. ثمره این حضور سازنده، فراهم آمدن کتاب های بزرگ در حدیث و سیره ائمه اطهار در کنار سیره پیامبر و قرآن کریم است. تلاش ائمه سبب شد که حقیقت اسلام برای جویندگان حقیقت پوشیده نماند و کسانی که طالب حقیقت اند بتوانند راه حق را از باطل تشخیص دهند.

* **امامان بزرگوار به دو علت با حاکمان زمان خود مبارزه می کردند :**

اول، آنکه رهبری و اداره جامعه از جانب خداوند به آنان سپرده شده و لازم بود برای انجام دادن این وظیفه به پا خیزند و در صورت وجود شرایط و امکانات، حاکمان غاصب را برکنار کنند تا با تشکیل حکومتی بر مبنای اسلام قوانین دین را اجرا کنند و عدالت را برقرار سازند.
دوم، آنکه این حاکمان ، قوانین اسلام را زیر پا می گذاشتند و به مردم ستم می کردند ؛ امامان وظیفه داشتند که براساس اصل امر به معروف و نهی از منکر با آنان مقابله کنند و مانع زیر پا گذاشتن قوانین اسلام شوند و از حقوق مردم دفاع نمایند.

* **اصول کلی امامان در مبارزه با حاکمان :**

۱) عدم تأیید حاکمان ← امامان، هیچ یک از حاکمان غاصب عصر خویش را به عنوان جانشین رسول خدا تأیید نمی کردند و این موضوع را به شیوه های

مختلف به مردم اطلاع می دادند. آنان اگرچه تفاوت های اخلاقی و رفتاری حاکمان را در نظر می گرفتند و اگر حاکمی در موردی بر طبق دستور اسلام عمل می کرد، آن مورد را تأیید می کردند، اما در غضب خلافت و جانشینی رسول خدا همه را یکسان می دیدند.

۲) معرفی خویش به عنوان امام بر حق ← آن بزرگواران، همواره خود را به عنوان امام و جانشین بر حق پیامبر اکرم معرفی می کردند؛ به گونه ای که

مردم بدانند تنها آن ها جانشینان رسول خدا و امامان بر حق جامعه اند. به طور مثال ، امام صادق (ع) در روز عرفه و در مراسم حج که جمعیت زیادی از مسلمانان از سراسر سرزمین های اسلامی حضور داشتند، در میان انبوه جمعیت، حق حکومت را از آن خود اعلام نمودند.

این سخن امام صادق (ع) که فرمود : « ای مردم ! رسول خدا (ص) امام و رهبر بود، پس از او علی (ع) و سپس حسن و حسین و علی بن حسین و محمدبن علی (ع) به ترتیب امام بودند و اکنون من امام هستم. » به معرفی خود به عنوان امام بر حق ، اشاره دارد.

۳) انتخاب شیوه های درست مبارزه ← امامان، شیوه مبارزه با حاکمان را متناسب با شرایط زمان برمی گزیدند؛ به گونه ای که هم تفکر اسلام باقی

بماند، هم به تدریج، بنای ظلم و جور بنی امیه و بنی عباس سست شود و هم روش زندگی امامان، به نسل های آینده معرفی گردد.

* **رفتار ائمه اطهار (ع) در طول ۲۵۰ سال بعد از رحلت پیامبر تا امامت امام عصر و غیبت ایشان** ← چنان مکمل یکدیگر است که گویی یک شخص

می خواهد برای رسیدن به یک مقصد مسیری را بپیماید، ولی مسیر یک دست نیست؛ گاهی هموار است و گاهی ناهموار، گاهی لغزنده و خطرناک است و گاهی دشوار؛ ولی همه این جاده با همه این اختلاف ها به یک هدف ختم می شود، به گونه ای که گویی یک انسان است که ۲۵۰ سال زندگی کرده است و در شرایط مختلف سیاسی و فرهنگی روش های مناسب را برگزیده و عمل کرده است.

* **تقیه** ← ائمه اطهار می کوشیدند آن بخشی از اقدامات و مبارزات خود را که دشمن به آن حساسیت دارد، در قالب تقیه پیش ببرند؛ یعنی اقدامات خود را

مخفی نگه دارند، به گونه ای که در عین ضربه زدن به دشمن، کمتر ضربه بخورند.

* **وظیفه ما در برابر پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع)** ← ما پیرو و شیعه امامانی هستیم که جان و همه زندگی خود را برای نجات و رستگاری

انسان ها، فدا کردند و به پیشگاه الهی رفتند. البته آنان هم اکنون ناظر بر ما هستند و به پیروان خود می نگرند تا ببینند آنان چه می کنند.

وظیفه ما این است که به گونه ای زندگی کنیم که سبب بدبینی دیگران نسبت به شیعیان نشویم و بدانیم که شیعه بودن تنها به اسم نیست ؛ بلکه اسم باید با عمل صالح همراه باشد تا پیرو حقیقی آنان شویم. امام صادق (ع) خطاب به شیعیان خود فرمودند: « مایه زینت ما باشید، نه مایه زشتی ما »